مبانی تفسیری شیخ مفيد

عبدالهادی مسعودی

صد محسن صفایی

چکیده

در کتاب تالیف های سودنی پژوهشگرانی که نقش قرآن را در آثار شیخ مفید، بررسی نموده‌اند، هنوز مهی تفسیری انی، آنگونه که شاخصت این شخصیت بزرگ است، معرفی نشده است. او عقل مدارانه و با نکته بر معرف ناب اهل بیت، روایات تفسیری را در تطبیقی قرآن به کار بست و در هر جا که نیاز بود، به تحلیل و تقد آنها پرداخت. طبعی است که این اگزی تفسیری نظالم، بدون داشتن مبانی درست و پایین‌دیه به آن در فرانسه تفسیر، امکان‌پذیر نبوده است. در این مقاله، برخی از مهم‌ترین این مبانی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مبانی تفسیری، نظریه صرفا، تحریف و نسخ قرآن، تفسیر اجتماع‌ی، حکیت نظوره، عترت مداری

درآمد

محمود بن محمدر بن النعمان. شیخ مفید (م ۱۰۳۸) یکی از شخصیت‌های ارگذار امامیه بوده و همگان به نقش عمیق و کلیدی او در تطبیق نیلیان های فکری امامیه و پالایش آن از افراط و کجروه‌ها، اعتراض دارند. اگر نه در رشد و بالاگذار علوم در سایر مذاهب اسلامی نیز نقشی

1. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث.
2. دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد علوم حدیث. دانشگاه قرآن و حدیث.
تعین کننده دارد. به طوری که بعضی از محققان اهل سنت معتقدند: «هر پیشوا دینی، رهیمن منت و می‌توانند زمام علی ایستد» (عسفالینی، ۱۴۰۶ ق، ج ۵، ص ۲۴۸). اگر قاضی در حالی که مقام برخی نسبت است و پرسیده متوجه و دقت حتی دریافت، کلیه فقهی و زیردست است و هم فضله زیبای و دقيق که به درستی می‌داند، چگونه از آیات شريف قرآن بهره برد. اگر در زمینه تفسیر قرآن نیز تأییدات جامعی گزیده داشته که منطقه‌ای زمان و اتفاقات آن، مانند دسترسی ما به آنها شده است. آثاری همچون تفسیر الآیات المنزلة در ایمیر المؤمنین (ع)؛ ایامه ایمیر المؤمنین (عل) در قرآن، این را علی‌علی فی آیات القرآن و کتاب تأویل قوه تعالی: فاستنوا اهل الذکر این کتیبه لانقلان از جمله لیاسیا (ص) علیه الحمد. ۱۳۷۲ ص. ۶۹.

تالش‌های ارزشمندی در جمع‌آوری نظریات تفسیری شیخ مقدّم به وسیله حجت الاسلام وال المسلمین محتشم‌علی ایازی و همکاران ایشان به انجام رسیده و شرکتی وی به وسیله آقای صابر عبد الحمید، بررسی شده و برخی از پیامی تفسیری از وسیله دکتر راز. احسا شده است؛ این این میانی هنوز در روابط جمع‌آوری و به صورت متقن، اساس نشد. از این منظر می‌توان ضمن معرفی ابعاد شخصیتی بزرگان همچون او برای پژوهشگران و مستشاری‌های کنی سعی در شناسایی بشری ابعاد شخصیتی داشتن اسلامی داشته، ولی سلطان کافی بر میانان ندارد.

کام تشک‌گران معرفت را با معرف منابع تاب اهل بیت لطفاً سبزاب نمود.

میانی تفسیری، یکی از مؤلف‌های تفسیری هر فیلسوف با مذهب تفسیری به شمار می‌آید و در علم تفسیر، براز فهم درست و عیان قرآن، داشتن مبانی فکری و اعتقادی صحیح برای انتخاب مصادر، روش و ازارای تفسیر. همچنین یک‌پاس برداشتن به یکی چنین بیش فرض نمی‌دهد. در کمال و اعتبار تفسیر، مؤثر است. لذا هر انسان می‌توانی یاد بیانی از وی در تفسیر قرآن، این میانی تفسیری یکی را برای خود، منتفی نموده. پس این اساس در تفسیر خود، قدم به قدم می‌نشود. سعی کن‌ت‌ا ت این خطوط می‌باین. خارج نمود و آنها را محترم خریدار (راز. ۱۳۹۰، ص. ۲۶).

در تعريف این مبانی گفته‌اند:

میانی تفسیر قرآن، شناختها و پاره‌های بین‌النهری در باره قرآن و ویژگی‌های آن معتقد که در چگونگی تفسیر قرآن و تعبین قواعد و روش آن، اثر می‌گذارد و به این صورت، زیربنای تفسیر قرآن می‌گردد (بابایی، ۱۳۹۱، ج ۱۲ ص ۴۳).
شيخ مفيد: يكي از چهرهای درخشان عرصه دانش است که در تفسیر قرآن نیز اصولی را می‌دانست. نظر قرار داده و همواره بر اساس آن به تفسیر قرآن برداده‌تمن است; اما چون اثر قرآنی و تفسیری خاصی از او به‌باید نماند، استخراج این مبانی از لایه‌ای آثار کمی داشوار شده و گاه ممکن نمی‌شود. به هر حال، کوشش ما بر این است که برخی از این مبانی را در مباحث قرآنی موجود در آثار و برخی را از مطالبی که ذیل آیات شریف قرآن بیان داشته است، به دست آورده، با جمع‌آوری و تنظیم منطقی آنها، برای نظر ایشان را بیان کنیم.

قرآن، وحی الهی

اولین نکته که قرآن، مثنی مقدس و کلامی الهی است که از طریق وحی به پیامبر پرورده، ابلاغ شده و از درون یکی از مبانی از سایر مکلفان نموده. یکی از مبانی لازم و ضروری در قرآن تفسیر قرآن است. پذیرش این مبانی، تأثیرات تشگیفی در نگرش مشترک به متن و نحوه تفسیر او خواهد داشت. بدین ترتیب، احتمال تناقضات درونی قرآن، عدم امکان تحریف، ضمانت از تحریف، و جامعیت اعصار، جامعیت و دستگاهی بودن متن و بسیار ویژگی و موارد ویژگی، فرع بر پذیرش الهی بودن متن است (راد.۱۳۹۰، ص ۸۱).

شیخ مفيد: بر پذیرش این مبانی، معنی است: 

آنچه میان دو جلد مصحف قرآن کریم هست، همگی سخن خداوند بلندپرته است که از ناحیه وی تنزیل یافته است و در آن، جهیزی از سخن بشر وجود ندارد (شیخ مفيد، ۱۴۱۳ ق، المسائل السروریه ص ۸۸).

أو مانند استاد خود شیخ صدوق (شیخ صدوق ۱۴۱۲ ق، اعتقادات الإباضیة ص ۸۳). معنی است که قرآن، کلام خدا، قول خدا و کتاب اوست که بر پیامبر مکمل محمد نازل و بر او وحی گردیده است (شیخ مفيد، ۱۴۱۳ ق، أوائل المقالات ص ۵۵). به نظر وی آنچه بر ایشان وحی می‌شده است، عین عبارات قرآن بوده، نه مفاهیم کلی و حقیقی که به‌عوام جامعیان شنیده‌ایند و سپس با عبارات و کلام خود برای مردم پیام نماید (شیخ مفيد، ۱۴۱۳ ق، تصحیح الاعتقاد ص ۱۲۵).

شیخ مفيد، وحی را مقامی مقدس و ارتباطی خاص بین پیامبران الهی و خدا می‌داند که احیاء غير از آن‌ها به این مبان، متفکر نگریده است (شیخ مفيد، ۱۴۱۳ ق، تصحیح الاعتقاد ص ۱۲۵)، و چند وحی بر انتظار اطهارهای را نیاز عفاظ ممکن دانسته، ولی اتفاق و اجعاس مسلمان نسبت به
عند وحی بر غیر از انبیا الهی، را تهای مانع اعتقاد به نزول وحی بر آنان می‌داند (شیخ مفيد، ۱۴۱۳ ق، واصل المقالات، ص۸۴).

در اعتقاد او، وحی گاهی بدون واسطه و مستقیم از جانب ذات باری تمامی بالایی پیامده صنعتی می‌شود و همیشه این گونه نیست که فرشتهای وساطت رسل وحی قرار گیرد (شیخ مفيد، ۱۴۱۳ ق، پیشین، ص۱۲۶).

اصل دیگری که تقدیس این متن را مورد تأکید قرار می‌دهد، عصمت انبیا در آریان در درافت، نگهداری و ابلاغ پیام‌های الهی به مردم است. بپیامه‌ای که قرآن با تمام قداست و هی و بودن اگر از مجرای صحیحی به دست انسان‌ها ترسیم شده باشد. اثر باید به داشت که این ضروری است که تبیک اگر در دریافت وحی، حفظ آن در ذهن و ابلاغ، و بیان آن برای مردم، دچار هیچ خطا، اشتیاق و غرور روی نشده باشد و قرآن کریم را بدون هیچ کم و کاست، تمام طوره که دریافت شده، به مردم رسیده باشد.

به نظر شیخ مفيد، عصمت که مفهوم اعطای شده از جانب خداوند به برگزیدگان اوست، عبتار از چنگ دیدان آنان به لطف و توفیق الهی برای خلاقی در این اسناد و یپیمانان و امامان بعد از ایشان، در حال تمیمر و امامت خود. از جمع کیان و صفات، معصومیت و عقل نسبت به ایشان، تکر برخی مستحکم‌ها بدون قصد تقصیر و مقصود، تجوزی می‌نماید؛ ولی ترک واجب از واجبات را اگر پیامبر خانی و امامان بعد از او که حتی از ترک مستحکم و واجب، چه پیش از امامت و چه بعد از آن سالم پوهدان (شیخ مفيد، ۱۴۱۲ ق، تصویح الاعتقاد، ص۱۲۸، واصل المقالات، ص۱۲۳ و ۱۳۵).

چوگنجی نزول قرآن کریم

به نظر شیخ مفيد، نزول قرآن، تدریجی است و اعتقاد به نزول دفعی قرآن در شب قدر، بعید و مخالف ظاهر قرآن، اخبار منوان و اجماع علمامه. او آبایی از قرآن را به نزول قرآن در شب قدر اشاره دارد. این گونه توجه می‌نماید که در شب قدر فقط مقداری از قرآن نازل گشتند. در طی زمان رسانه نبی مکرم، این روند ادامه داشته است (شیخ مفيد، ۱۴۱۳ ق، تصویح الاعتقاد، ص۱۲۴).

در دیدگاه عقل گرای او، روایت نزول دفعی قرآن در شب قدر به بیت المعموره که مستمسک صندوق قرآن ورفته است (شیخ صدوق، اعتمادالابیات، ص۲۸) با نزول تدریجی قرآن در موقعیت‌ها و عرصه‌های تودید، در تضاد است؛ چراکه گاهی مشاهده می‌شود آیت‌ای از قرآن کریم، متعهد سپر نزول خود است و قاعدتاً پایان بعد از تحقیق خارجی سبیل نزول، نازل شده باشند.

۵۵
اعجاز قرآن

در وجوه اعجاز قرآن کریم، نظربه‌های مختلفی ارائه شده و بحث‌های مختلفی انجام گرفته است.

وجوهی همجون قصاید و بلاغت به نظر قرآن، اصول بید و شیوه‌هایی در بیان مطالب، تفکرات

و احکام ویژه آن، محتوای عالی، بیدل و ملاءم با فرطی بشری یکی که نه که به و نه دچار

تاثیر می‌گردد. احتمال آن بر اکثر غمی و اعضاً آیبند و سیاسی مودر دیگر چه گیتا، اعجاز را

به ذات قرآن، منتصب نشانه‌های دیده‌اند (عمرت. ۱۳۸۷، ج۳، ص۳۹). 

در مقابل، عده‌ای نه می‌دانند زیاد، اعجاز ذاتی قرآن را تثبیت و معتقدند: خداوند قادر می

برای این، نتایج دیگر و الهی بودن کلام قرآن، می‌رود را از آرزوی مرحله قرآن، یک داشته و از

این کارآمد، جلوگیری می‌کند و در غیر این صورت، دیگران نیز قادر به آوردن چیزی شبیه قرآن

هستند. این نظریه از دید راز صرفه، مفصول بوده است (عمرت. ۱۳۸۷، ش۳۸، ص۶۷).

درباری:

در میان طرفداران این نظریه، سه وجه در تقریب چگونگی مسالمت الهی از مقارن با قرآن، وجود

دارد:

- صرف نسبت به همک نگر نابی و داعی معارضه با قرآن;

- صرف الهی نسبت به اراده پس از تحقیق انگیزه و دفع اراده به طور قهری و قسری;

- سلب و قطع علوم لام برای معارضه با قرآن از زمان تحقیق قرآن با نزول آن با وجود همکت و

اراده در معارضان (فاضلزاده. ۱۳۷۶، ش۴۷).

خاستگاه این وجه، متعلق به همچون نظام (م ۲۳۱ ق) بوده‌اند (عمرت. ۱۳۸۷، ش۳۷، ص۷۷;

فاضلزاده. ۱۳۷۴، ش۵۲). این نظریه، در میان امامی نیز طرفدارانی همچون شیخ می‌باشد (مفرید.
شیخ مفید در این باره می‌گوید:

جهت اعجاز قرآن، عبارت است از صرف اهل فضاحت و زبان از معارضه با پایام اکرم

در آوردین چیزی مانند قرآن در ساختار از جناب خدا و در هنگام تخته‌ایشان در مقابل‌شان
و منصرف ممدوح آنان از آوردن مثل و مانند آن با وجود قدرت آنها بر این کار، به عنوان
دلیل نیوتن او و لطفی از جانب خدای تعالی که تا آخر الزمان، ادامه واخاد داشت و این، از
اشکاتارینی براہین و شکفت‌آورترین بیان‌ها در اعجاز بوده، مورد پذیرش نظام است که
جمهور معتمد بر این نظر با وی مخالفاند (شیخ مفید، آوائ المقالات، ص 1413ق، آوائ المقالات,
63 ص).

آو او تصريح کرده این ارادة خداوند بر این تعلقی گرفتن که مخالفان و معارضان فصحب و بی‌لبیغ
پایام‌بر در مقابل تخته ای او تنوادن نظم و نسب موجود در قرآن را شیب‌داری نمایند و با وجود قدرت
انجام دادن چنین کاری، خداوند آنان را تا این از انجام آن. منصرف می‌نمایند. این در ادامه تصريح
نمونه است که این مسأله از اشکاتارینی براهن و برهبان ووجه اعجاز قرآن است.

هر چند او دلیل بر این مذاام نیسته است، ولی در استدلالات شاگرد او، سید مرتضی متون
این دلائل را جستجو نمود.

سید مرتضی در کتاب الموضع عنجه اعجاز القرآن - که به الصدرة مشهور است - تقیبری از
این نظره دارد که به اختصار، بدن اشاره می‌کنیم:

او در این کتاب آورده است:

با پرض این نکته که قرآن، مجعدهای جاوید و دلیل نیوتن پایام‌گرامی است، دارای نظیم
منصور به قرآن است؛ اما عرف این مقصر برای تخته کافی نیست و علاوه بر نظم، باشد
فضاحت آن نبی منصور به قرآن باید. در حالی که تا نیوتن ایشان اما نبود غرب بر این کار، قادیر
نیست و تخته نبی کاری که ممکن است طرف مقابل بر انجام دادن آن قادیر باشد، معنا
ندارد. پس لاجر، تخته نبی بر چیز دیگری واقع شده باشد که آن، سلیم علم به امر برای

معارضه با قرآن توسط خداوند است (سید مرتضی، 1387ق، ص 7 و 18).

این نظره مخالفتی را نیز به دنبال داشته است تا جایی که عده‌ای آن را سخیف و برخی از
محققان هم آن را غیر قابل طرح، معروفی نموه‌اند (الراوی، پناهی، ص 144 شهرستانی، پناهی،
ص 97). نتاهایی هم بر این نظره وارد شده که بررسی تفصیلی آنها از حوصله این مقاله، خارج
است؛ ولی می‌توان همگونی ناپیدا آن را بنابراین نیست که به نظر مخاطبان، اعتقاد به صرفه، مخالفت
با اعجاز ذاتی و انحصار قرآن کریم در نظام و فضاعت است. اینبار، ضمن اثبات شاخص العاده بودن
نظم، فضاحت و بلاگفت قرآن، نظریه صرفه را مخالف ظهور بی‌خیال از آیات قرآن کریم و وابستگی
معصومین ۰ یکی بعلت و معتقد که لازم به پذیرش صرفه، دخول نقض در فضاحت عرب و حتی
شخص يابمر ۰ یوده و قهرآً باید با اعتراض عرب به یابمر آکرم همراه می‌شد که چرا ما را بیش
نموده، قابلیت فضاحت و بلاگفت را که قابل داشتن، آن را گرفته؟ همچنین لازم برای یافتن امکان
ارائه مشابه قرآن بعد از دوران تحذیق غیر از جهت معارضه است (قاضی زاده، ص۱۷۴، ص۲۰۰).

با دقت در کلام سید مرتضی، برکی از این اشکالات، پاسخ داده می‌شود. مثل این یا ادرار کلام
خود می‌گوید:

لزوم قول به صرفه، معجزه نبودن قرآن نیست؛ بلکه قرآن از آن بحث، که گردیده مانند آن
در فضاحت و نظم بر غیر جدا مقرر است. مفعول تا نقلی مگرد و این تعریف به هر دلیل که
باشد، حاصل شده است که به نظر ما دلیل یک نقد است (سید مرتضی، ص۱۸۲۷، ص۱۸).

پس پیروان نظریه صرفه، به اعجاز در نظم و فضاحت و بلاگفت قرآن معتقدند؛ اما برکی دیگر از
این اشکالات، مثل نقض در فضاحت عرب و اعتراض ناشی از آن، مخصوصاً با در نظر داشتن
تقریبی که سید مرتضی از صرفه دارد. به گوی که باقی است. به هر حال، پیامبری از نظربرای
نظریه وارد است و شاید به همین علت باشد که شیخ طولیسی نیز از دست چه در عهده این نظریه
بوده، از آن عدول نموده و همان نظر مشهور داپیشته است (شیخ طولیسی، ص۱۳۷، ص۱۳۷۳) در
مورد شیخ مقدی نیز این نظریه‌ای نیست که در این وضعیت از او گزارش شده است و برگانی
چون عالی‌الخصوص و طلب راوندی، او را همراه با نظر مشهور و طرفدار نظریه اعجاز بیانی قرآن.

بعنی قرار داشتن قرآن در فلسفه دست‌پایش‌اندیش از فضاحت و بلاگفت. می‌دانند (مجلی، ص۱۴۷۴،
۱۴۳۰ میلادی، ص۱۴۷۴، ص۱۴۷۴، ص۱۴۷۴) به آن که استادانی از آن، مؤید دیدری بر این مطلب است که او ابتدا نظر مساعدی نسبت
با توجه به این که مشا نظریه صرفه، ممکن است پیدا است و مثرب نیز یکی از ممکنات یابد.
شیعه به حساب می‌آید و خود نیز در کتابی صریحاً نظریه فوق را پذیرفته است. اکثر اعتقاد و
نسبت به آن، ممکن نیست. همچنین طرفداری شامل کلامی از این نظریه و عدم تعزیز آنام
نسبت به عدول استادمان از آن، مؤید دیدری بر این مطلب است که او ابتدا نظر مساعدی نسبت
ب این نظریه داشته‌اند: اگر یک یا دو برگزای همسایه مجلسی و قطع راوندی نیز قابل اعتناست، از این رو یا باشد برای نمونه، مشهور شده و از فقید است. همراه بودن و با اعتقاد گردهم که شاید بودند، یک نظرنهایی خود را در کتاب‌های همچون اسلامی در جریان انجام از این كتابها در اجازه اجرای قانون و جوابات این الحسن سپاسالمعناه به این امر، آن وایند، آنها در اجازه اجرای قانون، آورده و یک کتاب‌ها در اجازه اجرای مسلمی و قطع راوندی بوده و به استناد، چنین قولی را ب این نظریه داشته‌اند، ولی این کتاب‌ها به‌دست ما نرسیده است.

تحلیل‌نامه قرآن

از جمله آن‌ها که اتسشن شاید شناخته نمی‌باشد، تفسیری در مسئله تفسیر قرآن است. حسوسی معنی‌دار است که قرآن، جمهور تفسیرگرده و عده‌ای از مسلمانان نیز به سبب قبول در برخی روايات ضعیف‌جی، از آن‌ها پیروی کرده و به این امر باطل، امیدی لازم داشته‌اند. ظاهرگرایی این نظر را به فکر افراد، آن را رویت نمی‌کنند و به جای دریافت و تفکر در جدید، باعث ایجاد انحرافات عمیقی در دین شده و مشکلات قوانین را برای دین و دین‌های به‌ویژه آن، به دنبال می‌آید.

علماً امامیه، از دو شکل گیری این جریان، یا آن جریان، به‌طور مثالی خواهش‌های خود از دین، می‌تواند در مورد استدلال آنند. تفسیر نیز از جملهٔ کسانی است که با این نظریه به سبب قبول در برخی روايات ضعیف، در این قرآن بر اساس آن، نظریه جدیدی ندارند.

این، در مورد تفسیر قرآن، ظاهری است که لازم است این امور ارزیابی و تحقیق واقعی برای هم‌خورده این است. همچنین، نظیر این بر اساس ثابت‌سازی و منسوخ و مکان و مدنی [بوند]

این و باید تحقیق راه را به مطالعه کم شدن تأویلات، مانند تفسیر به مطالعه خارج از دین اصولی قرآن می‌دانند. به دلایل متاخره، در این نظریه تفسیر: و اگر این تفسیر به نظریه از هر چند که منطق و اگر در مناظره به تفسیر، باید بررسی نموده و با معنویات و غیر آن‌ها در این باره مباحثی طولانی داشته‌مان. چرا که از آن‌ها نیازمند که به پرداختن این امامی باید؛ آن‌ها عده‌ای از امامی‌های امانت داشته‌اند که چری از این‌ها را جذب نکرده‌اند. لیکن تفسیر این امامی‌ها قرآن حذف نشده، بلکه تأویلات و تفسیر معنای آن، طبق حقيقه‌تبیین که در مصخی امامیانن چالدة و دیده‌اند، ولی جزو قرآن به حساب
نمی‌آمد، حذف گردیده است... و از نظر من، این قول بهتر از قبول کسانی است که مدعی حذف‌سازی حقيقی در عین کلام قرار گذاشته‌اند و من می‌پیشتری به این قول دام و از خدا توقف راه دارم را مسئله‌ی می‌دارم.

یا تحريف به زیاده را نیز نکن نموده است:

و انتو تحريف به زیاده. از یک جهت، حتماً بایرل، از جهتی قابل فرض است. انتو اگر تحريف را به معنا ای این که کسی توانسته باشد مقداری از سویه را به قران بیفهرد، به طوری که فتحی عرب نتوانست آن را تشخیص دهد، چنین چیزی مضر نیست; انتو اگر مطرح این باشد که یک یا دو حرف و یا یک با دو کلمه با شیب اینه افزوده شده باشد، به طوری که به اعجاز قران لطمه‌ای نزده، انتو دید فصحا مخفي نیست، انتو قابل فرض است، ولی در این صورت نیز باید خداوند، بندگان را برای امت‌نامه نموده‌باشد، چنانکه مشروط به عدم آن و سالمت قران از انتخابی حسن و حیدری از امام صادق (ع) بر این مضمون در اختیار دارم.

(شیخ مفید، ص1313، اوازيل المقالات، ص180.)

اما آنچه در المسائل السرویه آمد، انتو با این معنا منفأوت است. آمی نیست:

شکی نیست که مایین الدقایق از قران [یعنی: قرانی که در اختیار ماست]. تمام‌اً کلام خدا، علی و حاصل وی او بوده و هیچ از کلام بیشتر از راه نباهته‌است و آن، معظمه چنین است که بر رای اکرم، تازه شده است و هر آنچه در قران موجود نیامده باشد، در نزد الهی محقوق مانده است (شیخ مفید، ص1612، المسائل السرویه.)

در مجموع، هر چند شیخ مفید، نظم و سباق قران مشهور در مبانی مسلمانان را انتو به آنچه در واقع (نظم نزولی) بوده است، منفأوت می‌داند. ولی معنی است که زیاده و نقصان در آیات قران، رخ‌داده و همین انتخاب در قران مشهور وجود دارد. کلام خدا و حی‌الله بوده، معنی است، او روایات مدعی نقضان در قران را بر تهیه، شن نزولها و اسباب نزولی حمل می‌کند که خارج از متن قران بوده، طبق و حی‌الله در ذیل آیات، توشتن امام علی عک و افزوده شده و به هنگام جمع قران به وسیله مسلمانان، حذف گردیده و معنی است که این با حفظ اصل قران که حاصل و حی‌الله، بوده تهافتی ندارد. بر این اساس، کلام او در اندیابه اولیاء المقالات که می‌گوید، این زیاده در انتخاب نظر دارند که سردمردان گیرادی در بخش زیادی از تأثیر قران به پرآمد ورنه، مخالفت ورزیدند و در تأثیر آن، اسباب نزول و سنت نبی را رها نمودند» (شیخ مفید، ص1413، اولیاء المقالات، ص44) نیز حصل بر نکته پیش‌گفته می‌گردد.
با نهایت کاملی، کلام برخی از مراجع در بررسی اندازه‌گیری مفید در ترجمه، که قابل شده‌اند شیخ مفید در اولین المقالات ترجمه را یافته است، نیز توجهه می‌گردد (الصاري زنجانی، ۱۳۷۱، ص۱۷).

امکان عام تفسیر

یکی از مبانی و پیش‌فرض‌های تفسیر قرآن، امکان و جوایش آن است: زیرا در صورت عدم پذیرش این اصل، تفسیر قرآن در نظر مفسر، غیرممکن‌با غیرمحمودی، جلوه می‌کند.

امکان عام به معنا امکان تفسیر قرآن برای افراد غیر مصوروم با حصول شرایط اختصاصی داشت تفسیر برای آنان است و امکان خاص، نقطه مقابل امکان عام است که با استفاده به آیند هم‌جوابی (الناظر، ۱۳۷۱، ص۲۱۸). تفسیر را ته‌بهر افرادی محدود و معین (مصورومان) را کامیان داد (رادر، پیشین، ص۱۳۵)

برداشت‌های قرآنت محدود شیخ مفید در اثر فقهی، کلامی تاریخی و... نمایانگر قدم عملی او در امکان و جوایش غیرعمومی‌گزاره‌های قرآنی و کشف مدلالی و مقاصد آیات است. کلامی است که پیشتر، امکان عام و جوایش تفسیر اجتهادی قرآن نزد شیخ مفید، معمولی مفروض و پذیرفته شده بوده است که برای آیان، قنین اقدامی را در تبیین آیات انجام داده است.

شیخ مفید در معناوی آیات، چنین استوار عمل کرده است که جایی هیچ شیوه‌ای را در بسط امکان و جوایش قرار برای غیر مصوروم باید نمی‌گذارد. وی در بیان مدلال آیات از تعبیری چون دلایل: و قد دل‌القرآن علی ذلك(...). تبیین: و قد بین الله تعالى دلیل عند قولن... ارده: قال الله... برید به... و معنا: فکنان المعنى في قولن... پهر بهره است (رادر، مبانی کلامی امامی، ص۴۵).}

برای مثال، در معانی ماهیت انسان با استفاده از آیات قرآن به اثبات مداخله خود پرداخته است:

حقیقت انسان، جوهری بسیط به ناح روج است که ثواب و عقاب، امر و نه، و جمع و

تعریف کردن آن است. قرآن بر این مطلب دلایل دارد. آن چه که مرجایم: «یا آیها

الإنسان ما عزیز پرتوک الکرم الذّی خلقته فضلًا فضلًا فی أن ضرورة می‌شاه

زکبیکی» (الناظر: ۸۰) (شیخ مفید، ۱۳۴۱، ص۶، المسائل السرایی، ص۶، ابزاری، ۱۳۸۲، ص۵۵۵).

(۶۱)
استفاده بهجا و استشهاد او به آیات الهی، نشان از امکان قهرمان برای غیر معصوم در نماه او

دارد.

نمودن دیگر، استفاده او از شواهد قرآنی و روایی برای توضیح آیات ۳۶ و ۳۷ از سورة مبارک بس است. اما برای تفسیری ارواح بعد از وفات، بعد از استشهاد به روایتی از امام صادق (ع) برای تایید محوری دراین به شواهد قرآنی تmph کرده و جدی آیه را یپ در پی مورد استناد قرار می‌دهد.

(شیخ مفید، ص. ۱۴۲۳، تصویر الاعتذا، ص. ۸۸)، چگونه ممکن است کسی بدون پذیرش مبنا، مورد بحث، به چنین فرآیندی در تفسیر خود دست بزند؟

جوایز اجتهاد در تفسیر

اما جواز اجتهاد در تفسیر نیز بیانی است که بدون پذیرش آن، دست زدن به تفسیر اجتهادی، معنا ندارد. بنده این است که مشاهده روش تفسیر اجتهادی در آثار هر مفسر، می‌توان پذیرش مبنا را از جانب اوست.

شیخ مفید نیز در جای یاد استندال‌های خود نشان می‌دهد که این بینا را پذیرفته و در عمل نیز بدان باور بوده است. تمشکی که بوده وی به شواهد ادبی، کلام عربع و اشعار آنان برای روشن کردن مراد الهی از آیات، شاهدی محکم برایاندی او به تفسیر اجتهادی است (انصاری، قلم، پیشین، ص. ۳۲، ۳۹، ۴۳، ۵۱ و ۵۱۵) و در آثار خود کوشیده است تا با استناد به قول اهل غفت که طبیعتاً از اهل لسان و آگاه به اصول زبان‌شناختی و نیز اشعار و عرفات کلام عربع بوده، مرادده الهی را آشکار گرداند (شیخ مفید، ص. ۱۳۷۱، تصویر الاعتذا، ص. ۳۵، انصاری قلمی، ص. ۱۸) نیز در تفسیر آیه ۳۴ سوره مبارک توابع، با استشهاد به بینی از شعراء عرب، باش شهیها مفروض را ایبایش داشته و پذیرش در ساختار آیه را نبطرف متماید:

کاهی خداوند در قرن کرم، دو چرخ زادنون و رسین از یکی از آنها به کتاب به‌عین

متماید، بدون این که مشخص کنند کدام یک مورد نظر بوده است؛ مانند این آیه که

متماید: (و الیئین یکورن الدّهَب و الفصّة لا يفقؤنها في سبيل اللّهِ) (توبه: ۳۴). در این آیه با این که لفظاً با ضمير مفرد به فصة اشاره شده و در حقیقت، هر چه در راز قاره فهم شده اجتهد. مانند سهندی که سهندی است.

نین بهما عنبداً و آنت باعندبخ راز و الرأی مختلف.
منظور شاعر این بوده که نحن با عنندا راضیون و انت راضی به عندنک. او با ذکر یکی از آورده نیگیری صرف نظر گرده است» (شیخ مفید، 1413ق، الفصول المختارة، ص 85)؛

اصداری قمی، پیشین، ص 28)...

او بعد از بیان این شباه که چرا بعد از ذکر طلا و نقره، ضمیر مفرد آورده شده و فقط به یکی از ان دو اشاره گردیده است. این را شیوهای رایج در عرب ندانسته و با استناد به شعری ثابت می کند که:

عرب، گاهی به قرنطین ذکر یک مورد. از ذکر مورد دیگر صرف نظر می گند.

شیخ مفید، حتی گاهی با شاهده قرار دادن شعری از اشعار عرب. معناه ظاهری کلمهای را تأمیل کرده و معنای مجازی و تأویلی آن را به عنوان مراد الهی از این کلمه بر می گیرد. مثالاً در معنای «و اذکر حقها دادن ذا الهدی» (ص: 17)، ضمن استشاده به بینی از شاعران عربی زبان، یکی از وجوه محتمل در معنای ونید» را عبارت از «瞑عت» دانسته است (مفید، 1413ق، تصحیح الاعتقاد، ص 30).

علاوه بر تمام موارد، آنها از یک مواردی است که به استناد عقل، روایات تفسیری را به جالس کشیده و دلایل آنها را ذلیل آه شریف، رد می نماید. او در تصحیح الاعتقاد، در مقام تعارض روایات با عقل می گوید:

اگر حدیثی با مقتضای عقلانی مخالفت نماید، آن حديث را طرح نموده، نمی پذیرم؛ چون عقل حکم می نماید که چنین حدیثی قابل است (شیخ مفید، 1413ق، پیشین، ص 19).

از مجموع آنچه بیان شد، به آسانی می توان چنین تنبیه گرفت که مردم شیخ تفسیر اجتهادی را پذیرفته و در عمل بدان، ملتزم بوده است و در تفسیر قرآن، صرفأ به روایات تفسیری بسته تکرده و به سایر منابع تفسیری نیز اعتنات داشته است. البته جایگاه هر یک از منابع تفسیری در دیدگاه او تعیین شده و دارای چارچوب بوده است.

تفسیر در چارچوب دلالت متن

از نقاط قوت یک مفسر، این است که با کمترین پیش فرض و صرفأ به یاری متن اصلی، به کشف مراد ما از آن متن پرداخته و تا حد امکان. جزئی را به متن اضافه نماید.

تفکیک به این صورت در تفسیر قرآن، غالباً می تواند بر مبنای یکی از تفسیری به رأی» و روش تفسیر قرآن به قرآن» با استفاده مفسر از آیات، عبارات و اصطلاحات قرآنی در تفسیر یک یا ایشی نمود.

می یاد.
کوشش برای کشف مراد اصلی متن بدون داشتن یک میکروسکوپ و تهیه شاخه روش

تفسیری شیخ مفید است (راد، پیشین، ص 17). در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از پایین‌آمده این منابع خواهیم پرداخت:

شیخ مفید، از جمله کسانی است که اشکالات تفسیر به راهی به مخالفت برخاسته است. به نظر او تفسیر نمودن کتاب خدا به پیشرفت شخصی و امپل نفسی، جای نیست و کمی که در تفسیر قرآن، بدون دانستی از ایرانی چه یک گروه است (شیخ مفید، 1312ق، الاصلاح فی الإمامه، ص 142 و 172) آیا این اساس، بعضی از مفسران نمادان را خطره نموده و با شجاعت، استیاه

آنها را متفکر می‌گردد:

روایت مورد اذعان خاص، از آقایان مانند مقایه، ضحاک، و کلی قلق شده که قرآن را بر اساس تفهیم، تفسیر نموده و با حس و گمان در مورد آن سخن رانده‌اند و همگی بر این نکته اتفاق نظر دارند که ایمان از زمربی علایی مقصود و برگردیگان خداوند باعث شدند و در امور دینی، قوی‌ترین بسیار مطلوب، حکایت نموده و لازم الانتهای نیستند. بلکه آنها جزو کسانی هستند که متمکن است‌شایتی و خللی از آنان سرزند و یا مرتکب بلاطی دردند.

(شیخ مفید، 1312ق، الاصلاح فی الإمامه، ص 116)

خروج چنین مفسرانی از چارچوب دلتنات من، باعث گردیده که شیخ مفید، اقوال آنان را متبیع مستقل تلقی نماید و فقط از آن به عنوان شاهدی بر مذاعب بهره برد. مگر این که یکی مفسر، نظر خود را به مقصوده فقط مناسب نموده‌اند موافق اجماع مسلمانان سخن گفته، که در این صورت، سخن‌های دارای دلیل شده و پذیرفته می‌شد (مفسد، 1312ق، پیشین، ص 164). به دقت این به این دو قید نزدیک و از یکدیگر به همین مناسبت: چراکه مقصوده اگر بود ایران چارچوب هستند و فراموش خود را تنهای قرآن مناسب می‌دانند و بزرگ‌تر که مورد اجماع مسلمانان قرار گیرد نیز عادتاً به همین برگزاران مناسب شده با مورد رضایت آنان است.

شیخ مفید، در مقام داوری بین دو روش تفسیر روابط و تفسیر به رأی، تفسیر روابط برتر ارزیابی و تفسیر به رأی برای تخصص کردن، (شیخ مفید، قسم 1312ق، الفصول فی کند، ص 54) بود.

در دیدگاه او، تفسیر به رأی، جایی نداشت و استفاده از آن، موضوعی را البته به تفسیر در چارچوب متن، توجه به روابط که در مقدمه نموده باید و استفاده از آن مناسب و همکار با عبده در بین مقاصد آیات است. توجه به این روابط، هنگام تفسیر، ابتدا این است

1. این اولویت، بدین معنا است که تفسیر به اساس مطلب و گمان، ویژه درست بوده ولی تفسیر روابط بهتر از این است.

بیان به معناي پیش‌‌روش تفسیر روابط و را تفسیر به رأی و تفسیر به اساس حس و گمان مفسر است.
مذ نظر شیخ مفوهد است. لذا در تفسیر هر آیه، آیات مناسب و هم موضوع به آن را جمع آوری نموده، با تبیین ارتباط بین آنها، معنای مقصود را استنباط و سپس تفسیر کرده است (زاده، پخش، ص 57). در بین معنا اراده الهی، به آیات معنی‌داری که از ارادة خدا سخن گفته استدلال می کند و ایشان را که با بریه الله آغاز می گردد، مورد استفاده گزار می گذارد (مفسد، ۱۴۱۳ ق، تصحيح الاعتقاد، ص ۴۴۳).

او در تبیین معناشنختی آیه «تغیر الاحکامة و الزوح إليه في يوم كان مقدزة خمسين ألف سنة» (معارج: ۲۴) به چهار دسته از آیات دیگر قرآن، استفاده کرده و مجموع آنها را توصیف استمرار شدت و عظمت شدان کافران در روز قیامت، دانسته است که زمان، چنان احسنت بر آنان سپری می شود که گویی از نظر اهل دینا، پنجاه هزار سال طول می کشد (مفسد، ۱۴۱۲ ق، المسائل المکریه، ص ۸۹). تصحيح الاعتقاد. ص ۵۵: الاقصاء، ص ۴۳).

و همچنین در مقام بیان معانی برخی از ازواجه متداول علم کلام، از آیات معنی‌دار قرآن، استفاده نموده، به نوعی تفسیر موضوعی روی می آورد. برای نمونه، چهار معنا برای «اقضاء» در قرآن ذکر نموده، برابر بر کسانی شاهدی از قرآنی می آورد (مفسد، ۱۴۱۳ ق، تصحيح الاعتقاد، ص ۵۴).

پایندگی مفید به متن قرآن و استدلالات مکزیکی به آیات الهی، حتی در بیان معنی‌ات دنیای، نشان می دهد که قرآن در استدلالات مفید، جایگاه رفیع و بلند دارد (صحابه، عبد الحمید، ۱۳۷۸ ش، ص ۸۸). در دیدگاه او و پشتیبانی از اینکه در مارد کلام الهی روابط می شود، لازم است سراغ آیات و روایات تفسیری رفته، فهم آن مطلب از این دو استفاده پرد.

عترت مداری

یکی دیگر از ویژگی‌های تفسیر شیخ مفید، تمشک به عترت و پایین‌دیگر به قول، فعل و تقریر معصومان است که در قالب استفاده ساختار که از روایات الهی پیش در قرآن و تفسیر قرآن، تبلور یافته است؛ ولی یکی دیگر از ویژگی‌های نگرده که او تمامی روایات را پیش نمی دهد و از تقد سندها و محضوا آنها صرف نظم نماید. در مسائل شیخ، هر روابط، قابل اعتنا و حجت نیست: بگذار صرفاً آنها را در استادن دارند که یکی و مفید علم باشند: یعنی اگر نسبت به راستگویی را وی می گفت، یقین حاصل شد. می توان از روایت را مسند تفسیر قرار داد و آیات قرآنی با دان تفسیر نمود.

خبری حقیقی است که موجب علم و تفی شک و شبه در ناحیه راستگویی راواگانش و هر خبری که به این جد از انتشار نرسد، حقیقت شرطی به حساب نمی آید و به هیچ وجه لازم نیست به مقدمات ان عم شود (شیخ مفید، ۱۴۱۲ ق، الانتزاع بازخوانی، ص ۴۳).
در اعتقاد او روایاتی علیم اورند که با متنوئد و یا خبر واحدی باشدند که قرینه‌ای بر راست‌گویی مخبر

آن یا رفع بطلان و فساد از آن وجود داشته باشد:

دو نوع از اخبار، مفید علمه‌ستند: اول، خبر متنوئد، و دوم، خبر واحدی که قرینه‌ای بر

راست‌گویی مخبر آن و فساد باطل و فساد از آن وجود داشته باشد (شیخ مفيد، 1413، پیشرف، ص44).

به نظر شیخ مفيد، این قرینه، یا دلیل است که موجب علم به صحت راوا می‌گردد، یا شاهدی

است از برایه محكم عقیق، عرف و حقی گاهی اجماع که در تأیید مدت ابراد می‌گردید و بدون این

سه، روایت، حکت نبوده، عمل به آن مجاز نبست (شیخ مفيد، 1413، پیشرف، ص44).

قرآن نیز ند او، چگونه‌ای و تازه‌درد. وی در این باره چنین می‌گوید:

کتاب خدای بر احادیث و روایات. مقام است و برای اعتماد صحت و ساقع‌اخب‌ار به آن مراعته

می‌شود. پس به هر حال حکم نموده. همان حال قیاس. نه جدی درک (شیخ مفيد، 1413، پیشرف، ص44).

برای مثال، در توضیح مفهوم «قلم» در آیه شریف ۹۸ (و شیفر و ما یک‌سطرو) (قلم) ۹۱، با استناد به

آیات قرآنی مشابه، معنای وارد شده در روایات را مورد اقدام قرار داده، برگرداند آیه‌ای از معنای ظاهری ش

را نمیرزد. به نظر او «قلم» در معنای حقيقی خود که همان توصیف شده است و استعمال شده و سورد

قسم، واقع و گرده است و متخری از قلم، لوح و قلم خاصی نبست که خداوند آن را افراد و بدان

می‌گوید. قلم. فرستاده‌ای خاص نبست که به امر الهی. این کار را انجام دهد. و... او برای مساعی خود

به آیاتی که خداوند در آنها به ابعاد خارجی مشابهی همچون تین، تونین، طور سپنی و بلند ابعاد سوگند

یاد کرد. استناد می‌نماید (شیخ مفيد، 1413، المسائل العکبیر، ص101).

اوبراین برایش با راه روایات. در موارد بسیاری روایت را به دلیل یاد و موسکون السند بودن. رد

می‌نماید و مخالفت با کتاب، ست و اجماع آست را از دیدگاه شیخ مفيد، در روایات است (اصله

عبد الحمید. ۱۳۷۱ش. ج ۲۵ ص ۳۰). از جمله، در پسیخ به ادعای تعارض میان روایت نیوی با آیات

قرآن، چنین می‌نویسد:

جواب این است که برای این حیدر، سند متقابل نشانشده و در کتب اصلی متبرک و مورد

اعتماد نیز آن را تیاقیم. بنا بر این، دستاوردهای نوسان و احتجاج به مضمون آن، صحح

نبست (شیخ مفيد، 1413، المسائل العکبیر، ص49).

با این حال، روایاتی که در غیرالزیمت باقیمانند، در اثر یزی ارتش قرار گرفتند شده و مورد استناد

قرار می‌گردد. این روایات را به طور مستقیم در تفسیر متن قرآن یا تأیید معا و مفهوم

۶۸
مشتق از آیه‌ای از آیات آن، مورد استشتهاد قرار داده است. مثال‌ها در مفهوم انسانی روی با جمع‌ندهی احادیث عترت، به تاریخ آیات معنی‌زا در هر وقایع رو به پرداخته و در تایید پیام‌های فقیهی آیات از روایات اهل بیت (س) به‌رهه است (شیخ مفید، المسائل ال或是یه ص. 1413). برای نمونه، در آیه‌ای 14 سوره اعلی آورده است که صداقان اهل بیت (س) فرموده‌اند: این آیه به طور خاص در باره زکات قطعه نازل شده است (شیخ مفید، المسائل ال或是یه ص. 1413). او همچنین در بیان معنای "مقدم و متأخر" در قرآن می‌نویسد:

اما منظور از "ما قدم" اعمال و رفتاراتی است که قردن در زمان راه‌های مرتفعی ثابت است و نه در زمان بلوغ اهداشته و به‌مرجعی از آن باقی نمی‌ماند. اما "ما آخر"، سنت‌هایی است که در زمان جایت به جای آن گذاشته و بعد از مرگ او نیز به آن اقدام می‌شود و این در بیان رسول‌الله م ساکین آن است.

که فرموده‌اند: "من سن سیده حسن‌الله لئه آخرها و اجر من عمل بها بهمیت منید (محمدرضا رضوی‌نامه، 1385، ش. 131)." شیخ مفید، خداوند، عقاب غربی قرآن، چاوشان، افراز شیعه و افراز شیعه در انجام کارهای زشت به آن‌ها و افراز شیعه و افراز شیعه است که به این‌ها اشاره است (شیخ مفید، المسائل ال或是یه ص. 1413).

حجیت ظاهر قرآن

روشن است که پدیداری با عدم پذیرش مبنا، در مفهوم و تفسیر به‌خیال علمی از آیات، مؤثر است، به‌طوری که عدم پذیرش آن، مبسست را از تفسیر نسبی از آیات، عاجز نموده، او را از آیات همچون تفسیر به‌خیال، باطن‌گرایی با اخبار بی‌خیال در تفسیر می‌کشاند، به‌مرجعی از آن‌ها به واسطه اقدا و اقدا، در انجام کارهای زشت به آن‌ها و افراز شیعه و افراز شیعه است که به این‌ها اشاره است (شیخ مفید، المسائل ال或是یه ص. 1413).

طقیق نظر عرف اهل زبان، از خصوص عبارات قرآن فهمیده می‌شود، دانسته است:

ظاهر، عبارت از آن چنین است که طبق عرف عقل اهل زبان، از خصوص عبارات یک کلام، فهمیده می‌شود. مثال‌زا بیان دانان حکایتی از ظاهر این کلام الیه که می‌فرماید: "ئی‌الله لا پیام الناس شینا و لکن الناس افسانه پیامبر" (بیویس: 44) مرازی و روا فهمیده (شیخ مفید، المسائل ال或是یه ص. 1413).
حال که ثابت شد قرآن به زبان عربی تألیف شده و تمام مکلفانه با معنی عربی، مختلط
قرآن قرار گرفته‌اند، از راه است سبیل عمل خود را فقط مفاهیمی که به زبان عربی از آن
 استفاده می‌شود. قرار دهید (شیخ مفيد، جواب‌الموصل، ص و 15).

این عبارت مفيد، در صورتی معنا دارد و استدلالات در حالتی صحیح است که ظاهر قرآن را
حجت‌بندیم.

شیخ مفيد در ذلیل آیه شریف نیست که منکم من اتفاق و نالوکه اعظم
در جریه من دین‌دان آن من ان و فانولو و کلا و عبد الله البصیر یا به سهول خیبر (حدید: 10) و
در اذعان علیه که خواسته بودند این آیه را در شأن چند تن از صحابیان بدانند، می‌گوید
این آیه شریف، بیانکی بهتری (آمام على) و تواب و اجر برای کسی که اتفاق و قنال را با
مهم جمع نموده و یکی را بدون دیگری انجام نداده، است. این آیه به شخص او و
آن، جابری جن بیشتری این موضوع ندارند و گری نبا ظاهر قرآن به نزاع برخاستند (شیخ
مفيد، جواب‌الموصل، ص 124). 

از این عبارت اخیر او بدون پذیرش حجت ظاهر قرآن، مما تدارک و استدلالی یا کامل نخواهد
بود. گویی در نگاه او عدم امکان تخلیف از ظاهر قرآن، بین طرفین دوا. امید اتفاقی بوده است
به نظر او چند که ظاهر قرآن حجت است و این با رعایت حدود و مرزهای می‌توان از آن تجواز
نمود. مزیت آن مانوسی حدود برای اهل زبان عربی است و نشانه آن، بی‌بیکن شواهدی از کلام
عرب ببر شیوه مورد نظر است. این مانع شیوه یاد شده را تاثیب نمود. این مزینی‌ها نیز دلیل
دیگری بر منازع و به حجت ظاهر قرآن، محسوب می‌شود.

ام این نکته ملظم است که ظاهر، حجت‌بندی و بدون دلیل قاطع و برخی محکم دنی مدار،
گری نبا ظاهر، عدول کرد و عبانی را حمل بر معنای مجزای نمود (شیخ مفيد، پیوست، ص 171) 
معناه این می‌باشد، اگر آیه را از ظاهر خوی، صرف نموده است.

برای نمونه در جواب شبه‌های هم تناسخ و حسوبه و عاشعه در مورد حیات در عالم ذیل آیه
شریف "این ذکر من چنین آدمی در راه آمدنی که به آن دیده‌اند و آن‌هم که، فرمینهم آن‌ها
به شیان آن دیده‌اند، بی‌میل، هر چیکا که عکس‌عمدی، ای کافی که در این بیاننی" (اعرف: 172). این آیه و نظیر آن را از قیبل
مراجع لقونی و استعاره می‌دانند. بر این اساس، منظور از شهادت خواستن و جدیدی هنگ دیده از بشر در
عالم ذیل اکمال عقل و راهنمایی وی به قدرت، لایزال‌ها از راه نشان دادن آفریده‌ها دانسته
است و وقایع بشر با آین برخی قاطع مواجه گردید، به‌اختیار به وجود خالقی به‌هم‌ا علایر نموده.
أن را في أعراف وجوش درك مكن. ابن همزة قالوا بلي أي است كه في إدامة أيه، صوره أشاره قرار فرحته است (شيخ مفيد، المسائل السروية، ص 42).

اما طلبيني بيش قفته، أو باده دلالي بري مدعاهم كنه كه كأنا در نموذجوب جاين بر ظاهر
حمل نموذج واياين مجاز في كلام عرب، نظرى دارد از اين رو به شواهد متعدد قرآني و أديبي
تستك نموذج و باص دخوري به اين سؤالات مي. دهد، أو براي ايره شاهدي بر مجاز اذاعي خدبا
اشاده به ايه أن نفروا يوم القيامة إذا كنا عن هذا غافلين أز نفروا إنا أشرك آيا من قليل و كنا دبرين
من بغريهم أجلهنا بما فعل النبطرون (اعرف: 176 و 177) مي. كراه:

مكرنميي كه خاماوند معال به أنجيه مشركان و كفّر انتكر و تأول أن عجزن،

احتجاج ورزده و أئن را به سكوت همراه با تصديق وا مي ميار؟ (شيخ مفيد، 1312،
بينين، ص 42).

يعنى همان طور كه في اين أيه ديدا مي شود. خداوند مي تنوان شرايط را طورى فراهم نمادي كه
خصم ساكت شده. بسام موجود، كلام ما را تصديق نمادي. مر «بلي» قفتن در ايه قبلي نيز از همين
قبل است.

اما في باخ سه بر اين اشكال كه شاب حقيقنأ رواح را خطاب قرار داده و جنين مكالمهای در واقع ن
صورت رديرنه بانست. با استناد به ايه و الشهش و الفجر و النجوم و الفجر و اليمين و الفجر و القبر
من الناس و كبير حق عليه الفذاد (حج: 18). شاهدي بر اين مطلوب أرده كه افعال حقيقی
جانونان به موجودات يی جان نسبت داده شده و از آن. اراده اطاعت و اقليه سده است. ائو در اين
باره مي. كود:

منظور الهي از اين عبارات. سجدة واقعي اين موجودات نست، جنان كه ما في مقابل
عظتمش سجده مي. نماينب: بلکه منظور اين است كه كأنا در تنوان از ارادة الهي سريچي
نموده. مانند اشخاص مطبع هستند و این مقیم. به سجده تعییب شده است (مفيد).

۱۳۱۲، المسائل السروية، ص 49.

در نهاه أو همین سیاق را می‌توان در مورد محطاب ساختن ارواح در عالم در نی آذار نمود و این
مجاز. شاهد قرآنی دارد.

در ادامه. همین سیاق را در کلام عرب، ردیابی نموده و با مهارت فراوان، شواهد متعددی از
استعمال اهل زبان را نیز به باری می‌گیرد (مفيد، 1412، المسائل السروية، ص ۴۹-۴۲ (۵۲).
تأویل باتن

شیخ مفید در دو بخش از کتاب اصولی خود، به موضوع باتن برداخته است. یکی در بحث "ظاهر و باتن" و دیگری در باب "حقیقت و مجاز". اما در بحث ظاهر و باتن، بطن را این گونه تعریف می‌کند:

باتن، آن چیزی است که تحت ضابطه‌ای خاص، از خصوصیات و حقیقت عبارت، خارج شده و عاقل برای شناخت مراد خود به آن اشاره بر ظاهر لفت، انتخاب یاد: انتان کلام خدا که فرموده است: "آقیموا لفظًا و آوازیا ازکا»، نما در ظاهر لفت، به معنای همان دعای لفظی بنا بر مثابه اهل زبان است و در حقیقت، نمی‌تواند بر قیام یا مانندان ان اطلاق گردد... اما نمازی که در شرع، بنان امر شدهای، زیاده‌ها مخصوص و مشترک بر قیم و رزگ و ثبتن و نشستن... است که این از ظاهر لفت "صلاصه" قابل فهم نیست و به معنای باتن است (شیخ مفید، ص 39).

در رأی ای آنچه در چارچوب مجاز زبانی شناختی از قلمرو عبارات و افتقا خارج گردد، باتن است و شناخت آن، نیاز به دلیل بیش از موضع و حقیقت کلام می‌دارد. مقیاس معنای ظاهر لفت، "صلاصه"، دعا است. اما مورد از آن در آیه شریف "آقیموا لفظًا و آوازیا ازکا"، کارهایی مخصوص است که عبارت‌اند از: قیام، رکوع، سجود و جلوه. این معنا از ظاهر لفت، قابل برداشت نیست و جزو باتن مقصود قلمداد می‌گردد.

شیخ مفید در بحث ظاهر و باتن، تأویل و باتن را مترادف یکدیگر و به معنای مجاز و استعفا می‌داند:

این که بگویند کلامی ظاهر است، مجاز. همان حقیقت بودن آن است و استعفا داشتن کلام نیز به معنای مجاز داشتن است. همچنین، مجاز، منظور از باتن و تأویل نیز همان مجاز داشتن است (شیخ مفید، بیشین، ص 24).

او تأویل را به باتن عطف نموده و سپس با ضمير مفرد به آن اشاره کرده که به معنای مترادف بودن این در نظر اوست و در مقدم یبان معنای آنها. واژه مجاز و استعفا لفظی را به‌کار می‌برد. پس از مجموع این دو عبارت، می‌توان نتیجه گرفت که در عبارات شیخ مفید، باتن، به معنای تأویلی است که در پس معنای ظاهری نفهته است و این، همان مجاز و استعفا لفظی مصطلح است. جالب است که شیخ مفید در تعریف باتن، از مجاز و استعفاهای فراتر نرفته و بیش از مجاز لفظی را جزو باتن ندانسته است.
به نظر اور، حمل کلام بر معنا مانند باطنی یا معنا مجازی، نیازمند دلیل است و از سر دوچرخه سرگرمی نمی‌توان منفی را به خلاف ظاهری حمل نمود. این دلیل، می‌تواند اجماع اهل زبان و به عبارت دیگر، بنای عقلی آستانه با زبان. یا دلیل و حجت شرعی، قابل ارائه و مهکم‌سپسند باند.

شیخ میفید در عمل نیز به‌دین منبنا پایین بوده و بدون دلیل عقلی قبیل و شاهد فرانکی نیز ادبی.

هیچ‌گاه اقدام به تویل و گرداندن کلام از معنا ظاهری هم نمود.

این منبنا شیخ بر بایان او در باب ظاهر و باطن قرآن نیز به‌خوبی قابل تطبیق است. امکان مخالفت با کسانی که به افرادی تحقیر، تمام قرآن را مجاز دانسته با قرآن را به‌گفتنی عاری از هر گونه مهاجمگویی معنی‌داراند، می‌گوید:

هرکس اگر تا می‌داند تمام قرآن بر اساس مجاز است و همین‌آن را ایجاد حمل بر این معنا نمود و ظاهر آن را رها نماید، به‌کرایه‌های خلاف ظاهر زبان عربی، بدهدای عقل و بنای عقلی آستانه با زبان عرب است. همچنین کسانی که مدعی ظاهرگرا یا عدم وجود هیچ مجازی در قرآن شوند، نیز به خط رفتند... (شیخ میفید. پیشین. ص ۴۳).

پس چهارم جز پنجم به‌ره دو و حقيقیت و مجاز در قرآن تداریم. با تکیه در معنای عبارت "جمهور" که در کلام ایشان آمده است. می‌توان نتیجه گرفت که در نگاه او، بیشتر آیات قرآن کریم، حقيقیت و در منارد نیز مجازاند. و با توجه به هم معنایی این دو واژه با ظاهر و باطن در دیدگاه او، می‌توان مدعی شد که به‌نظر شیخ میفید. هم ظاهر قرآن، حجت است و هم باطن آن.

**تسخ در قرآن**

تسخ را در حقیقتی می‌توان به معنای حکم موقتی دانست که از ابتدا نیز ظالم و زمان آن معلوم نمود و به مقترض مصالحه الهی پر. زمان مشخصی تشريع شده بوده است و خداوند باری تمایل، از ابتدا تشريع. بر این امر مطلوب بوده و به سبب همان مصالحه، آن حکم را موقت. تشريع نموده است؛ ولی موقت بواده آن به سبب صلح یا پر رفدرد مخفی شده و علائین نگردهد و در موقع خود.

یبان جدیدی، یابان دوره عمل به آن حکم را معلوم نموده است (معروفت، ۱۳۸۷، ش. ۱، ص ۳۷۶).

به لحاظ حکم و تلاوت آیات قرآن، چهار قول در باره التخی است وجود دارد:

۱. تدخیل و تلاوت: به معنی این که آن‌ها مشتمل بر بی‌حکم مشخص، از قرآن کریم به‌طور کامل موجب گردد.

۱. این کلام شیخ باینچه در المسائل الگوبرکته (ص ۶۸). آمده، تهای ظاهری دارد. ایشان در این جا بیپیشتر قرآن را مطالع حقیقتی کلام عرب دانسته است. ولی در این، چا بیپیشتر را مجمل بر مجاز می‌گارد.
دوباره جاری شود (مرفوت، 1383، ص 101-102).

شیخ مفید با قوت از قول سوم، جانبداری نموده و اقوال هم عرض را رد می‌نماید. ایشان، اصل موضوع و وجود ناسخ و منسوخ در قرآن و روايات را پذیرفته و در ادامه بر این نکته تأکید می‌کند که در زند وی فقط حکم آیه نسخ می‌شود؛ ولی قرارند آن به جای خود باقی است و عین آیه از قرآن حذف نمی‌گردد.

اگر متقاعد است فقط نسخ قرآن به قرآن و سنت به قرآن، صحیح است و بر این اساس. سنت، ناسخ قرآن نمی‌شود. هر جنگ که در دیدگاه یا این امر عقلاً مالی ندارد، ولی نص صریح قرآنی را مانع آن می‌بیند. او در این باره می‌گوید:

خداوند در قرآن می‌فرماید: «ما نشتغ من آیات یا تنبیه دنا تغییر مناها یا میثلاه» (بقره: 60). طبق مفاد این آیه شریف، قول خداوند معنال بهترین قول بوده، از قول خلق بالاتر است و شایسته نیست که هیچ قولی با این قیاس گردید. پس سنت که قول بشر است، از قول خدا بهتر یا مانند آن نیست که به‌واسطه نسخ نماید (مفيد، 1413 ق، اولین المقالات، ص 132).

اگر در ادامه، ضمن اشاره به تویجاتی که برای حکمت به خشیدن به سنت و در مقام ناسخیت قرآن آوردند شده، آن را رد نموده، می‌گوید:

اهل خلافهم هم که قتنانند منظور از «خیز مناها»، خیز‌مناها در 말씀 می‌شود، صنعتی که پس بازرفته، در مقدم و مذکور بوده، مانند قول شریف، متن熊猫ی باشند. این قول، معنایی ندارد: قون مصحتی بهتر از کلام خدا نیست و نه در شرع، چنین اطلاعی شده و نه طبق تحقیقات چنین اطلاعی در علم یاد شده مسبوق به سابقه است و اگر چنین باشد، عقاب، بهتر از ثواب است و ابليس، بهتر از ملکبه و نیز خواهد بود که این، نادرست است (مفيد، 1413 ق، اولین المقالات، ص 132).

البته نظریه شیخ مفید، مخالفان نیز دارد. یکی از این مخالفان، سید مرتضی است، او در این باره معتقد است:
ست قطعی مانند کتاب می‌تواند علم و به نتیجه‌ای بی‌معنی باشد. باعث جویی کلاف شود و جانشین آن گردد.

ست نزدیکی مواد ناگهانی کتاب گردید. همچنین نسخ شامل حکم است و ست در دلته بر

آن، دانشگاه است (سید مرتضی، ۱۳۷۶). چ۱ ص۴۲۵.

یعنی همان‌طور که آیات قرآن در این احکام مستند و بعضی، بعضی دیگر را نسخ می‌کند.

ست نزدیک مشتمل بر احکام است که آن احکام، دانست احکام کتاب، می‌تواند احکام دیگر را نسخ نمایند.

مکی و مدنی

از دریابار، مفسران، و اندیشمندان اسلامی در تفسیر قرآن، طبقه‌بندی به تقدم و تأثیر آیات و مکی و مدنی ممکن است در این آیات، نموده و می‌نمایند؛ چراکه شناخت آیات و سوره‌های مکی و مدنی در قرآن تفسیر قرآن، نشان دهنده اساس و مهم آن یکی گاه در تفسیر، می‌شتابد و در مسلسل نسخ نیافته و منسوخ، خاص و عام، متعلق و مثبت و مانند ابن مسال، آشنایی با زمان نژول آیه و تأثیر آیات، بسی راگشاست.

شیخ مفيد نزد ممانی بیشترین معنی است یکی از خصوصیات قرآن جمع‌آوری شده و در امام علی (ع) تقدیم و تأثیر آیات و سور آن نیز ترتیب نژول و مکان و زمان نژول آن به است. البته قرآن موجود در مبان مسلمانان، این ترتیب را دارا نیست و بر همین اساس، برخی از مفاهیم قرآنی بار ما قابل دریافت نیست. یا می‌گویند:

امیر المؤمنین (ع) قرآن نازل شده و در آن در آخ تا آخر آن جمع نموده و همین‌طور که مأمور شده بود، آن را مکی نمود. پس مکی را بر مدنی، و منسوخ را بر نیوایی، مقدم نموده و هر یک را در جای خود قرار داد و به همین سبب است که امام صادق (ع) می‌گوید: به خدا مسنود. اگر قرآن به همان صورت که نازل شده بود، خوانده می‌شد. نام ماه در قرآن یافتند.

همان‌گونه که یمیتی‌هایی که در آن آمده است (شیخ مفید، ۱۴۰۳، ms۷۸۴ ص۷۸).

به بیان امام صادق (ع) اگر قرآن همان‌طور که به دست تولیدی به گرفت، به دست ما رسیده بود، می‌توانستن نام اهل بیت عصمت و طهارت را مانند سایر بزرگان و برگزیدگانی که اسمران در قرآن آمده بپیوند؛ اما به دلیل عدم اقبال عمومی که بر اثر جوسازی های سیاسی صدر

۱ ویای مطالعه بیشتر. رگ.: معرفت. تالیفچه نمایه. ج۱ ص۸۵.
اسلام توشیع عده‌ای خاص از دشمنان اهل بیت عصمت پیدا آمده بود. این نسخه از قرآن به دست فراموشی سپرده شد و از دسترس دوستداران و شیعیان آن ارواح یافت. دور ماند.

در نسخه موجود از قرآن که توشیع غیر معصومان جمع آوری نشده، باز هم شاهد وجود آیات و سور مکی و دنیه است و یعنی واقعیت در میان مفسران شیعه و سنی، جاگاه ویژه و متن خودی دارد. این معلم نیز مائده ساحبینظران علوم قرآنی و نگرش، تاریخ، نقشی در و تأثیر ابزاری از مورد استفاده قرار داده و آن برای ذخیره خود بهره پرده است. مثالاً در مقالات تحقیق استسابیزیت مرگ و خون، شیخ صدوقی، میری بر این که قرآن در شب قدر یکباره به بیت المعبود و از آن جا تدریجاً در مدتی، سال بر یکبارکرده نازل شده، با علم به این نکته که آیه‌ی باد شده در مدتی نازل شده است. نتیجه می‌گیرد که نزل جملاتی که نیاز اتفاق افتادن یک واقعه باشد، بیش از وقوع آن، ممکن تبست و در نتیجه، آیات قرآن قبل از نزول تدریجی و به دنبال حدوث نسبت نزول آنها، نزول دفعی دیگری نداشت است (شیخ متفکر). ص ۱۴۲۳، تصویر اعتماد.

۱۳۱۸) (الفصول

۱. قرآن، کلام الهی و حاصل وحی او به پیامبر برگزیده‌ای مقدّس بوده است.
۲. نزول قرآن بر پیامبر اکرم، تدریجی و در طی مدت رسالت ایشان انجام شده و اعتقاد به نزول دفعی قرآن در شب قدر، بعد و مخالف ظاهر قرآن، اخبار متواتر و اجماع علمای بوده و منظور آیات اشظر کنده به نزول قرآن در شب قدر، آن است که در این شب، فقط مقداری از قرآن نازل کشته است.
3. هر چند ایشان در کتاب خود، وچه اعجاز قرآن را «صرف الیه از آوردن مانند قرآن» دانسته؛ ولی با نب تبرکی همچون مرحم ممالکی، صاحب بحار الافدوار، ایشان جانبدار تشبیه مشهور و اعجاز ذاتی قرآن بوده است.

4. اور قرآنی که به ما رسیده با هر گونه تحریفی که به اعجاز آن مورد موردیت و اقوال مذکور تحریف در آن را نمی‌پذیرد.

5. اور محسومان را هم قادر به فهم متن قرآن دانسته و از این رو، تفسیر و اجتهاد در آن را نیز برای آنان، مجاز انگاشته و در عمل بدای، یاد بند است.

6. اور خود را موظف به تفسیری در چارچوب دلالت متن می‌دانسته و به همین دلیل، از تفسیر به رأی دوی نموده و سعی می‌نماید آیات قرآن را بیشتر با دیگر آیات آن و در سایه راهنمای احادیث معنی تفسیری، شرح و توضیح دهد.

7. اور ظاهر قرآن را حذت دانسته و از ظواهر قرآن در استدلالات خود، بهره برده است.

8. به نظر اور، تأویل باطنی با حمل آیات قرآن بر مجاز و استعاره قوی به شرط اختصار دلیل مجوز آن که می‌تواند دلیل معنی عقلی، تلقی با عرف اهل زبان باشد، جایز است.

9. وی وجود آیات ناسخ در قرآن کریم را پذیرفت و در دیدگاهش هر چند حکم آیه منسوخ توشتخانه نیست، ولی عین آیه به جای خود باقی می‌ماند. لذا از این نظر، حذفی در قرآن رخ نداشته است.

10. هر چند اور معنی است قرآن کاملی که امام علی ﷺ به املای ای نی مکرم نگاشته بود، آیات را به ترتیب نزول در می‌گذشت که نموده بود که به علمت بتوچه، در گوش‌های من و محجور شد؛ ولی نظر راجع در آیات مکی و مدینی را که تزد مسلمانان مشهور است، پذیرفته و بدیع استدلال نموده است.
کتابنامه

- قرآن کریم:
  - انساری نجات، ابراهیم. منهج الشيخ المفيد في البحث و التحقيق، مجموعه مقالات كنگره برگداشت شیخ مفيد. ۱۳۷۱ ش. ج. ۱۷.
- انساری فی. مقدرا. تفسیر الشیخ المفید المستخرج من مصابات. مجموعه مقالات كنگره برگداشت شیخ مفيد. ۱۳۷۷ ش. ج. ۶۵.
- ایازی، سید محمدعلی. تفسیر القرآن المجيد المستخرج من تراث الشيخ المفيد. بوستان كتاب، قم، ۱۳۸۲ ش.
- پایان. علی أكبر، بررسی مکاتب و روشهای تفسیری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت. جامع اول. ۱۳۹۱ ش.
- ترمذی، سنن، نرم افزار مکتبه الشامله.
- راد، علی. مبانی کلامی امام در تفسیر قرآن با رویکرد تفاضلات به آرای ذهبي، عشال و روسی، انتشارات سخن، جامع اول، ۱۳۹۰ ش.
- الراشیدی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغة النبویة. بيروت، دار الكتب العربي. بی، تا، رجب، محمود و همکاران. روش شناسی تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نثر سمن. جامع سمت. جامع، سوم. ۱۳۸۷ ش.
- سید مرتضی، الذبری. نشر دانشگاه تهران، جامع اول. ۱۳۷۶ ش.
- المرخصع عن جهه اعجاز القرآن المعروف بالصرفة، تحقيق محدودیاً تفسیر قصی بیتاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی. جامع دوم. ۱۳۸۷ ش.
- شهرستانی، هیه cynical. المعجزة الخالدة، راهنمای، مکتبه التوهیة. بی. تا، شیخ طوسی. الاقتصاد الهمدی إلى طريق الرشد، كتابخانه جامع جهل سبک، جامع اول. ۱۳۶۵ ق. تهران، ایران.
- صاابت عید الحمد، مباحث علوم القرآن. ۱۳۷۱ ش. مجموعه مقالات كنگره برگداشت شیخ مفيد. ج. ۵۳.
- القرآن الكريم في مدرسة الشيخ المفيد، مجموعة مقالات كنغرة بزرغداشت شيخ مفيد. 1761 ش، ج 25.

- الشيخ المفيد فشأً، مجلة رسالة القرآن، شمارة 12، فروردین 1372.

- صدوق، اعتقادات الإمامية، مجموعة آثار الشيخ مفيد، كنغرة بزرغداشت شيخ مفيد، قم، 1412 ق.

- صف، محمد بن حسين، بحار الدرجات، موجود در نرم افز اور نور الأحاديث 3، مركز تحققات كامبويتي علم إسلامي.

- عسفاني، ابن حجر، لسان النسائ، مكتبة الأعلام للمطبوعات، بيروت، جامع سوم، 1406 ق، 1981 م.

- قاضي زاده، كاظم، تكرشي بن نظرية صرفة، تامه مفيد، شماره 3، پایز 1334 ش.

- قطب الدين راوندی، الخرائط والجغرافیة، قم، 1408 ق.

- مجلسي، بحار الأواهر، دار الإجهاد التجاري، بيروت، جامع دوم، 1432 ق.

- محمدی رشیدی، میران الحکمة، مترجم، جميل حسین شیخی، نشر دار الحديث، قم، 1385 ش.

- محرز، محمد هادي، تلمیذ مسیحی، مؤسسه الیاس، قم، چاب اول، 1387 ش.

- آموزش علم علوم قرآن، نشر المهد، قم، 1381 ش.

- نسخ در قرآن، مجلة بینات، شماره 4، سال 11، شماره 1383 ش.

- مسلمی، صحیح، نرم افز المکتب الشامل.

- میفیش، اعتقادات الإمامیة، مجموعة آثار شیخ مفید، کنغرة بزرگداشت شیخ مفید، قم، 1401 ق.

- مجموعه آثار شیخ مفید، کنغرة بزرگداشت شیخ مفید، قم، 1412 ق.

- الإفتشار فی الكلمة، مجموعة آثار شیخ مفید، کنغرة بزرگداشت شیخ مفید، قم، 1413 ق.

- مجموعه آثار شیخ مفید، کنغرة بزرگداشت شیخ مفید، قم، 1414 ق.

- التذکر باؤصول الفقه، مجموعة آثار شیخ مفید، کنغرة بزرگداشت شیخ مفید، قم، 1413 ق.

- جوابات أمیر الموصل، مجموعة آثار شیخ مفید، کنغرة بزرگداشت شیخ مفید، قم، 1413 ق.

- عدم شهر البا، مجموعة آثار شیخ مفید، کنغرة بزرگداشت شیخ مفید، قم، 1414 ق.
الفصول المختارة. مجموعات أثار شيخ مفيد. جاز عماد بن زرگدشت شيخ مفيد. ق.م.

المسائل المربية. مجموعات أثار شيخ مفيد. كنگریز گیهاشت شيخ مفيد. ق.م.

المسائل العکبریه. مجموعات أثار شيخ مفيد. کنگریز گیهاشت شيخ مفيد. ق.م.

المقنعة. مجموعات أثار شيخ مفيد. کنگریز گیهاشت شيخ مفيد. ق.م. 1413 ق.

---

المسائل السرویه. مجموعات أثار شيخ مفيد. کنگریز گیهاشت شيخ مفيد. ق.م.

المسائل المربیة. مجموعات أثار شيخ مفيد. کنگریز گیهاشت شيخ مفيد. ق.م.

المقنعة. مجموعات أثار شيخ مفيد. کنگریز گیهاشت شیخ مفيد. ق.م. 1413 ق.